



سرمقاله

رهپویی تا اقالیم قبله

اول.

پیروزی انقلاب اسلامی، فرصتی برای تشیع پدید آورد تا برای افکار عمومی کنجکاو جهان، از اسلام و تشیع و عاشورا بگوید و در آوردگاه مکاتب و آزمون اندیشه‌ها، تصویری از جامعه مبتنی بر دیانت و امامت عرضه کند.

اما برای دشمنان و رقیبان، تحمل این ندای پرجاذبه و در پی آن سربر آوردن مجدد تمدن سبز - اسلام -، ناممکن نموده است، و از آغازین روزها علاوه بر همه گونه توطئه‌ها و موانع اجتماعی و اقتصادی و امنیتی، حملات فکری و رسانه‌ای علیه اسلام و تشیع را شدت بخشیده‌اند، تا مگر از آشفته بازار فکری جهان، متاع ایمان را به سرقت برند و ایمانیان را به زعم خویش، ورشکسته سازند.

هجوم به مبانی فکری اسلام و تشیع، تحقیر دستاوردهای تمدن کهن مسلمین و انقلاب نوین اسلامی، تهمت به مردان اندیشه و مبارزه دنیای اسلام، محاصره رسانه‌ای و فرهنگی ملل اسلامی و ...، همگی برای آن بوده تا دشمنان، شاخه‌های این شجره طیبه را بی‌برگ و بار، و ریشه‌هایش را هوازده و پوسیده نشان دهند.

زین رو، پاسداری حریم معارف اسلامی و اعتقادات دینی از گزند تحریف و التقاط، و پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهات، فراتر از یک نیاز علمی و فرهنگی، راهبردی برای صیانت از هویت و بنیان اسلام و انقلاب اسلامی است.

اما این مهم به انجام نمی‌رسد، مگر با پرورش عالمان دین؛ آن گونه که با حفظ اصالت اسلام، آن را متناسب با پرسش‌ها و مطالبات روز جهان، تبیین کنند، و با مکاتب انحرافی بشری و ادیان التقاطی، هم‌اوردی کنند، تا گوهر ایمان را بر پایه باور عقلانی

و نیاز فطری بشر، استوار سازند.

لذا فهم استوار منابع و معارف اسلامی و تبیین متین و بی‌خلل آموزه‌های پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، آمیزه‌ای از دانش و مهارت کلامی، و تسلط بر منابع عقلی و نقلی اسلام، و توان مقایسه و نقد پیرامون دستاوردهای دشمنان و رقیبان را می‌طلبد؛ از دشمنان کهنی هم‌چون الحاد قدیم و جدید، و رقیبان غیرمنصفی مانند مسیحیت گرفته، تا برادرانی چون سلفیه و صوفیه و شیخیه و ...، که در کار تدبیر یوسف، به چاه و گرگ می‌اندیشند!

دوم.

امروز، به دلیل دیگرگونی تکنولوژی ارتباطات و فضای تعامل جهانی، مخاطبان و جستجوگران معارف اسلامی تا کشورها و جوامع غیرمسلمان و حتی غیردینی؛ توسعه یافته‌اند، و تبیین عقلانی معارف اسلامی، برای جهانی که بسیاری از آنها، سیصد سال است که از انبیا روی گردانده‌اند، بیش از هر زمان دیگر ضروری می‌نماید.

گرچه تعقل، در تأملات منطقی و فلسفی منحصر نیست و بسیاری از علوم اسلامی بویژه اصول فقه و کلام شیعی، وامدار و سرمایه‌گذار تأملات عقلانی مسلمین در مسیر فهم و تبیین معارف اسلامی هستند، اما سهم بلامنازع منطق و فلسفه در تنقیح قضایای عقلی و پیشبرد عقلانیت در تمدن اسلامی، بر کسی پوشیده نیست.

خردورزی‌های سخت‌کوشانه و متعهدانه یکایک سرآمدان فلسفه، از فارابی و ابن‌سینا گرفته تا سهروردی و ملاصدرا، کارنامه درخشانی در هدایت دستگاه فلسفی موروثی یونان، به سوی الهیات و محتوای معرفتی اسلام، گسترش بنیادهای عقلانی تدبیر، و ساخت و تکمیل دژهای تبیین و مدافعه عقلانی از ساحت ایمان و عقیده مسلمین بر جای گذاشته است. در این میان، سهم فیلسوفان شیعی، بسی ممتازتر از دیگران می‌نماید؛ چه این که، یافتن حقایق دینی توسط عقل، در یرتو هدایت و حیانی و امامت اهل بیت علیهم‌السلام، ممکن‌تر و تضمین‌شده‌تر است.

البته از آنجا که کوشش‌های خردورزانه عالمان و فیلسوفان شیعی نیز، مانند اجتهادات فقهی و کلامی و هر تلاش علمی و عقلانی دیگر، مشمول قاعده کلی خطاپذیری بوده و هست، حتی بزرگی و عظمت دستاوردهای دستگاه فلسفی مسلمین و ابتکارات متفکران مسلمان در پی‌ریزی فلسفه اسلامی نیز، راه را بر بازخوانی و بررسی بنده و هاله‌ای از تقدیس و تعبد را بر گرداگرد آنها نمی‌افکند، تا آرای

آنان از جنس مشاهدات لاهوتی، و تصدیق استدلالات ایشان در زمره مقامات معنوی درآید! اما خطا در یک یا چند رأی فلسفی، نمی‌تواند دستاویزی برای انکار فایده و ضرورت کلی فلسفه گردد و زحمات و تلاش‌های بسیاری از اعلام تفکر و بزرگان تشیع، یکسره بنیادی بر آب و سرابی موهوم انگاشته شود؛ که اگر چنین روا می‌بود، به بهانه خطاهای علمی یا مواجهه کم و بیش در تاریخ برخی از علوم و عالمان با اهل بیت علیهم‌السلام، باب بسیاری از علوم اسلامی بسته می‌شد، و هیچ فقیه و متکلم و مفسر و محدث و فیلسوف و ادیب و مورخ اسلامی، شایسته تکریم و مستحق تعظیم نمی‌گردید.

لذا فهم، بازخوانی و توسعه متاملانه مسائل و روش‌های فلسفی، ضرورتی است گریزناپذیر، و روزه‌ای است گشوده به آینده آفاق عقلی اسلام؛ چه این که جز از این رهگذر نمی‌توان جاده عقلانیت را به سوی اقالیم قبله، امتداد بخشید.

سوم.

آنچه در پیش رو دارید، رهاورد نخستین سال از تجربه تعدادی از دانش‌پژوهان جوان حوزه علمیه مشهد در حلقه‌های حکمت و کلام است که نخستین تولیدات و نقدهای کلامی و فلسفی خود را مشق کرده‌اند و در جلسات هفتگی با شور و نشاط، به بحث و گفتگوی علمی پرداخته‌اند.

امید می‌رود که در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد بالندگی علمی ایشان، و ظهور متألهان و حکیمان و متکلمانی متعهد و پویا باشیم، و در سایه آن، نظاره‌گر فزونی توش و توان حوزه برای پاسخ به نیازها و پرسش‌های مشتاقان حقیقت و جویندگان معنویت؛ ان شاء الله تعالی.